



پرچم همیشه بالا است

ادامه از صفحه ۹

این ابتکار چه بود؟

اینجا باید از امیر دریادار معنوی، فرمانده وقت ناوشکن سیلان یاد کنیم که ابتکارها و تاکتیک‌های ایشان و نیروهایشان مانع از غرق شدن این ناوشکن شد. حملات زیادی به ناوشکن سیلان شد، حملاتی مانند بمب‌های لیزری و نقطه زن که می‌توانست ناوشکن را از وسط چندپاره کند، اما آنان توانستند به هر روشی که بود، ناوشکن را به ساحل منتقل کرده و در حوضچه خشک قرار دهند. پس از این امر، ما به اهمیت و ارزش آموزش پی بردیم که آموزش بومی و ابتکار نیروها در میدان، چه قدر می‌تواند در مهار تهدیدها مؤثر باشد. از این مرحله به بعد بود که عرصه‌های دیگری از عزم نیروهای ایرانی متبلور شد، زیرا می‌بایست این ناوشکن بازسازی و بهینه‌سازی و به صحنه عملیات ملحق می‌شد. گام‌های اصلی و اقدامات عملی برای رسیدن به این هدف از دانشگاه شروع شد. دکتر باشی که امروز به رحمت خدا رفته اند، آن زمان فرمانده دانشگاه مکانیک بودند، وارد صحنه شدند، هسته اصلی تشکیل شد، کار علمی اولیه صورت پذیرفت، از ظرفیت صنعتی که در اختیار نیروی دریایی بود و نیز نیروی انسانی آن استفاده و کار شروع شد تا اینکه در نهایت ناوشکن سیلان به عرصه عملیاتی بازگشت. خاطرم هست در یک رزمایش که ناوشکن سیلان هم حضور داشت، من مسئول عملیات ناوشکن بودم، امریکایی‌ها با تعجب به این ناوشکن نگاه می‌کردند. فکر می‌کردند ما یک ناوشکن دیگری آورده و شماره سیلان را روی آن درج کرده‌ایم. باور نمی‌کردند این همان سیلانی است که در سال ۶۷ آسیب دید. این تصور هنوز هم در امریکایی‌ها وجود دارد. در نمونه‌ای دیگر، سیلان در یکی از مأموریت‌ها در اقیانوس آرام و در دریای چین حضور یافت، آنجا هم امریکایی‌ها با تعجب با این ناوشکن مواجه شدند که سیلان اینجا چه کاری‌کند؟ آن زمان اجازه گرفتند تا از فاصله نزدیک‌تری ببینند که آیا واقعاً این همان ناوشکن هست یا خیر؟ این کنجکاوی امریکایی‌ها به این دلیل بود که آنان فعالیت‌های دفاعی ما را رصد می‌کنند و اینجا هم می‌خواستند ببینند آیا ایران واقعاً توانسته است این ناوشکن را بازسازی و عملیاتی کند؟ بنابراین آرام آرام ما به این توانمندی‌ها دست یافتیم؛ بویژه اینکه دفاع مقدس هم به پایان رسیده بود و به دنبال آن باید تجهیزات دفاعی و نظامی بهینه‌سازی و به‌روزی می‌شدند. طلی‌ کار، همه فرایندهای بازسازی و بهسازی ثبت و ضبط شدند، بازخورهای بازسازی سیلان و دیگر واحدها ثبت و بررسی شد تا اینکه به دهه ۷۰ رسیدیم. دهه ۷۰ یک نقطه عطف بسیار مهم در فرایند تقویت و گسترش توان نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران است.

چرا دهه ۷۰ تا این اندازه اهمیت دارد؟

در دهه ۷۰ بود که ما شاهد حضور مبارک فرمانده معظم کل قوا در بندرعباس و کارخانجات نداجا بودیم. ایشان در این بازدید طی فرمانی ابلاغ فرمودند که باید ناوشکنی بسازید که بالغ‌تر هم باشد. خوشبختانه این اتفاق افتاد، اما آن موقع افراد کمی بودند که این توان و امکان را در خود ببینند. معظم هم متوجه این مسأله شدند و همین را تذکر دادند که خیلی‌ها باور نمی‌کردند این اتفاق بیفتد و این توانمندی عملی شد. اما بحمدالله بعد از ۱۲ سال این اتفاق افتاد و خود ایشان هم شاهد این بود و با حضور فرمانده معظم کل قوا، ناوشکن بالغ‌تر جماران به آب انداخته شده و به ناوگان ملحق شد. این مسیر ادامه پیدا کرد تا مراجعت ناوگروه از اقیانوس اطلس که اخیراً اتفاق افتاد. در طول این مدت چندبار راهی که طی شده بود را از زیبایی، تجارب عملیاتی خود را وارد آموزش‌ها کردیم، آموزش‌ها به روز شدند، سپس خود آموزش‌ها در صحنه عمل ارزیابی شدند، بعد در مراحل دیگری در دریای مدیترانه حاضر شده و دو مرحله هم حضور در اقیانوس آرام داشتیم، در یک مورد هم که خود من حضور داشتم تا تنگه جبل الطارق رفته‌یم که طی آن از کانال سونز عبور کردیم، در یک مرحله دیگر اسطیس جنوبی گذشتیم. پس از طی این مراحل بود که به این نتیجه رسیدیم که دیگر مانعی بر سر راه نیروی دریایی راهبردی ما نیست. آنچه برای ما از زمانمنع این ناوشکن بود، این بود که یک ناوشکن تماماً ایرانی که به دست هم‌زمان من، به کمک دانشمندان و تلاش صنعتگران ایرانی ساخته شده و به صحنه عمل آمده، مسیر اطلس جنوبی و شمالی را طی کند که شامل سه قاره و سه اقیانوس می‌شود. قرعه این مأموریت به نام ناوشکن همیشه قهرمان سه‌ند افتاد. سه‌ند نماد رویارویی با استکبار جهانی در سال ۶۷ بود که متأسفانه مورد اصابت ده‌ها موشک قرار گرفت و عزیزان ما تا آخرین لحظه با دشمن مقابله کردند. اینجا جا دارد از شهید قهرمانی یاد کنیم که دشمنی توپ ضد هواپیما این ناوشکن بود که یک هواپیما و یک موشک، با نامردی هرچه تمام‌تر، فقط ایشان را به شهادت رساند. سه‌ند، چه دیروز و چه امروز، بسیار خوش درخشید.

بنابراین جمهوری اسلامی ایران با ناوشکن سه‌ند وارد اقیانوس اطلس شد؛ ناوشکنی که سال ۶۶ نامیرگ‌نبرد کرده بود. این خود یک معنای روانی و سیاسی بزرگ دارد، ما اغیر از این، معنای راهبردی و استراتژیک حضور ایران در اقیانوس اطلس، کانال مانش و شمال قاره اروپا چیست؟ البته نیروی دریایی ایران در اقیانوس آرام، دریای چین و تنگه مالاکا در جنوب شرق آسیا هم حضور داشته است. معنای این حضور برای دشمنان و دوستان ما چیست؟

وقتی ما از معنای راهبردی سخن می‌گوییم، یعنی می‌خواهیم از سطح اثربخشی و اثرگذاری یک نیرو با یک کشور سخن بگوییم. بویژه اینکه هر حرکت و هر اقدام ما در صحنه بین‌المللی بازتاب دارد. فرمانده معظم کل قوا محبت فرمودند و نیروی دریایی

عوامل پیروزی در جنگ نابرابر

ما در شرایطی جنگ را پشت سر گذاشتیم که شدت از سوزی کشورهای خارجی برای تأمین اقلام و تسلیحات مورد نیازمان در دفاع مقدس در تحریم بودیم، تا آنجا که می‌شود گفت هیچ کدام از لوازم و ادواتی که در دفاع نیاز بود، به کشور نرسید و از سوزی هیچ یک از کشورها رسماً تأمین نشد. در مقابل تمام کشورهای توسعه یافته آن

سال‌ها به دشمن ما یعنی رژیم بعث تحت ریاست صدام انواع و اقسام تجهیزات و اطلاعات روز نیاز و حتی سلاح‌های ممنوعه را می‌فروختند. در واقع یک جنگ کاملاً به معنای مطلق کلمه نابرابر

یکشنبه ۴ مهر ۱۴۰۰
سال بیست و هفتم
شماره ۷۷۳۴

جمهوری اسلامی ایران را یک نیروی راهبردی خواندند. در کنار این، واقعیت این است که نیروی دریایی، تنها نیرویی است که مأموریت و عملیات آن پس از مرز شروع می‌شود. ما مرزبان هستیم و صیانت از مرزهای کشور جزو مأموریت نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران است، اما برحسب ذات و ویژگی این نیرو، ناخوستا فر مرزی هم عمل می‌کنیم، به این ترتیب، وقتی فرای مرزهای داخلی خودمان حضور داریم، به‌طور طبیعی در منطقه نیز اثرگذار هستیم، ضمن اینکه شرایط محیطی دریا به گونه‌ای است که در هر جا که اراده کنید، می‌توانید حضور داشته باشید، البته باید توانمندی این کار را نیز داشته باشید که ما نشان دادیم از این توانمندی برخورداریم.

ابتدای بحث به مسأله تفاوت میان فرماندهان فعلی و سابق اشاره شد. در همین راستا می‌خواهم به نکته‌ای اشاره کنم که کمتر در فضای مجازی به آن توجه می‌شود. به‌تازگی، امریکا موشک‌های پاتریوت خود را از عربستان خارج کرد و عربستان ناچار شد موشک‌های پاتریوت را از یونان اجاره کند. ۳۰۰ نیروی نظامی هم از یونان وارد کند. یعنی عملاً این کشور برای دفاع از خود ناچار است مزدور خارجی را به‌کار بگیرد. بنابراین، ما امروز با دو نوع کشور دو نوع سیاست دفاعی مواجه هستیم، کشوری که برای دفاع از خود به مزدور و نیروی خارجی نیاز دارد و کشوری که اگر کسی نیازهای دفاعی آن را تأمین نکند، خودش دست به کار می‌شود و همه اینها را می‌سازد.

شما درباره معنای پیام ما از حضور در اقیانوس اطلس پرسیدید، اتفاقاً پیام ما همین است؛ پیام ما، پیام صلح، دوستی و امنیت برای کشورهای منطقه بویژه کشورهای دوست و برادر مسلمان است. این نکته بسیار مهم است که ایرانیان بویژه در ۳۰۰ سال اخیر هیچ‌گاه به کشور دیگری تجاوز نکرده‌اند، اما همواره مورد حمله قرار گرفته است. اگر کسی ایران را تهدید نکند یا خطری را متوجه منافع آن نکند، رویکرد جمهوری اسلامی ایران همیشه مبتنی بر احترام خواهد بود، کما اینکه این واقعیت را به کرات هم نشان دادیم. امروز هم اگر تجهیزات دفاعی و نظامی را به ما ندهند، ما خوشحال‌تر هستیم، به این علت که ما دنبال کسی نمی‌رویم تا بیاید برای ما کاری انجام دهد، اما اتفاقاً اگر کسی برای ما کمک بخواهند، بد دل و جان می‌رویم و کمک می‌کنیم، اگر تشخیص دهیم که این کمک واجب و لازم است و باید انجام شود و با اصول بشری و انسانی و اسلامی مطابقت دارد، حتماً وارد می‌شویم. این رویکرد را در عمل هم ثابت کردیم. امروز اگر مزدوری پای خود را در کشور ما بگذارد، رگ غیرت ایرانیان می‌جنبد و قطعاً به متجاوز تقابل می‌کنند. امروز این غیرت فقط مال من نیست، غیرت همه مردم ایران است. امروز دشمن دو سؤال دارد؛ یکی اینکه این ولایت چیست و چگونه می‌شود که اگر اتفاقی بیفتد، ایرانیان به‌رغم همه مشکلاتی که دارند، در مقابل تهدید محکم می‌ایستند و هیچ‌گونه گلایه‌ای ندارند. گله‌مندی را داخل خانه به زبان می‌آورند، اما وقتی مقابل دشمن می‌ایستند، حرف همه یکی می‌شود و این ویژگی‌ای است که ما ایرانیان باید به آن افتخار کنیم.

بعد از اینکه دزدی‌های دریایی در دریای سرخ و خلیج عدن شد گرفت، یک تصویر هالیوودی از نیروی دریایی امریکا را نش‌مبنی بر اینکه ناوهای امریکایی به کمک کشتی‌های دیگر کشورها می‌شتابند. اما نیروی دریایی ایران هم حضور یافته و علاوه بر خدمت به کشتی‌های ایرانی به شناورهای دیگر کشورها هم خدمات امنیتی ارائه کرد. به‌نظر می‌رسد مأموریت و مسئولیت شمار برای صیانت از شریان‌های اقتصادی کشور در دوره تحریم و فشار حداکثری ترامپ به مراتب زاین‌تر شد است.

البته صرفاً تحریم نبود، بلکه تحریم همراه تهدید بود. در یک مقطع زمانی آنان هر روز روی میز و زیر میز دنبال گزینه می‌گشتند، اما نمی‌دانستند که فقط یک گزینه وجود دارد و آن گزینه هم اقتدار ایران و اقتدار ایرانی – اسلامی ایران است. پدیده دزدی دریایی را در اصل یک تروریسم دریایی می‌دانیم و صرفاً یک دزدی نبود، در گذشته هم این دزدی‌ها انجام می‌شد، اما نه به این سبک و سیاق، یعنی سازماندهی شده نبود. آنان به یک سبک سنتی می‌آمدند، وارد کشتی‌ها می‌شدند و مواد غذایی می‌خواستند. کشتی‌های تجاری هم حساسیت زیادی روی این موضوع نداشتند و رویکردشان کمک به این افراد بود. اما از دوره‌ای به بعد، اینها سازماندهی شدند و دیگر ما نه با دزدی دریایی، بلکه با تروریسم دریایی مواجه بودیم.

گفتید «این‌ها را سازماندهی کردند» آیا احساس می‌کنید کشور یا نیرویی پشت این دزدی‌ها است؟

شکی نیست، زیرا امروز این دزد سلاح به دست دارد و برخلاف گذشته، با رعب و وحشت وارد یک کشتی می‌شود و چون سلاح به دست دارد، بر خود را با بالا به پایین دارد، یعنی دیگر حالت درخواست و التماس نیست. اینها به یک دزدی‌های دریایی نیستند، در خواست پول می‌کردند و می‌خواستند این پول‌ها به حسابی در کشور ثالثی ریخته شود و این طور نبود که آنان به صورت دستی پول را دریافت کنند. چطور ممکن است؟ مجموعه این شرایطی باعث شده بود تا ما به این قضایا به‌به صورت دزدی دریایی نگاه نکرده، بلکه آن را تروریسم دریایی می‌دیدیم. در چنین محیطی، ما برخلاف دیگر کشورها، توانستیم به صورت مستقل امنیت را برای شناورهای عبوری در همان کنیم. آنچه امریکایی‌ها در این باره انجام دادند، واقعاً در حد همان کارهای هالیوودی است که شما به آن اشاره کردید. امریکایی‌ها هیچ‌گاه به صورت مستقل کاری را انجام ندادند، اصلاً توان انجام کارهای مستقل را نداشتند.

به‌چه معنی؟

به این صورت که در قالب «سی. تی. اف.» گروهی را تشکیل



داده، چند کشور هرکدام با یک یا دو واحد شناور در این گروه مشارکت کردند. اما ما در شرایطی این محدوده را به تنهایی و با دو شناور دریایی کنترل و امنیت آن را برقرار می‌کنیم که به لطف خدا تا امروز هم موفق بوده‌ایم. اما باوجود اینکه این همه شناور در منطقه حضور داشتند، در موارد متعدد این ما بودیم که شناورهای تجاری کشورهای دیگر را از دست درزان دریایی نجات داده و به آنان کمک کردیم، حتی در زمانی که دزدیده شدند و دزدان روی شناور حضور داشتند. این اتفاق دقیقاً در دو مورد رخ داد، یعنی در دو مورد شناور‌ها از سوی دزدان ربوده شده بودند و دزدان روی شناور حضور داشتند که یگان‌ها و ناگوارهای ما توانستند عملیات امداد و نجات را انجام دهند، یکی از این دو شناور ایرانی بود و شناور دیگر، مربوط به کشور دوست، چین که سفیر این کشور هم در آن زمان از جمهوری اسلامی ایران تشکر کرد. حتی سازمان‌های بین‌المللی هم در چند مرحله برای ما تقدیرنامه کتبی ارسال کردند، گرچه آنچه برای ما مهم است، رضایت مردم و بویژه قلب نازنین فرمانده کل قوا است.

بنابراین، با اقدامات ما امنیت فقط برای خطوط کشتیرانی ایران تأمین نشد، بلکه این امنیت و آرامش برای همه ایجاد شد. باید به یک نکته جالب اشاره کنم. گاهی از ما سؤال می‌شود که وقتی شما از دگربری با دزدان دریایی صحبت می‌کنید، پس چرا اخباری از تعداد کشته‌ها اعلام نمی‌شود؟ پاسخ ما این است که رسالت ما اصلاً این نیست، فرمان ما این نیست، فرمان ما این است که امنیت برقرار شود و در این مسیر نیازی به کشتن یک انسان بیچاره نیست. در نتیجه در بدترین حالت، دزدان در جمهوری اسلامی ایران به ظاهر زندانی شدند، گفتم در ظاهر زندانی می‌شدند، زیرا این افراد در نهایت با کسب یک تخصص به کشور خودشان برگشتند. یعنی عزیزان ما در سازمان زندان‌ها و سازمان فنی و حرفه‌ای آنان را آموزش دادند و هر کس با تخصصی، اعم از خیاطی، تجاری یا جوشکاری به کشور خودش برگشت تا دیگر دزدی نکند و احتمالاً با همین تخصص‌ها دارند ارتزاق می‌کنند، زیرا ما دیگران افراد را در صحنه‌های دیگر دریا ندیدیم.

پیام ما، پیام صلح، دوستی و امنیت برای کشورهای منطقه بویژه کشورهای دوست و برادر مسلمان است. این نکته بسیار مهم است که ایرانیان بویژه در ۳۰۰ سال اخیر هیچ‌گاه به کشور دیگری تجاوز نکرده‌اند، اما همواره مورد حمله قرار گرفته است. اگر کسی ایران را تهدید نکند یا خطری را متوجه منافع آن نکند، رویکرد جمهوری اسلامی ایران همواره مبتنی بر احترام خواهد بود

امروز اگر مزدوری پای خود را در کشور ما بگذارد، رگ غیرت ایرانیان می‌جنبد و قطعاً با متجاوز تقابل می‌کنند. امروز این غیرت فقط مال من نیست، غیرت همه مردم ایران است

امروز مقابل تحریم و تهدید امریکا، نفتکش‌های ما به سختی و با استفاده از تاکتیک‌های متنوعی نفت را می‌فرستند. البته این کار حق ما است، زیرا وقتی دشمن نمی‌خواهد مانفت بفروشم، حق مسلم و طبیعی ما است که دشمن را فریب بدهیم و نفت خود را بفروشیم. نیروی دریایی در تأمین امنیت شریان‌های اقتصادی ما بویژه دوره تحریم به‌فشی داشت؟

تهدید اتفاق تازه‌ای نیست و همیشه بوده. اینکه در رسانه‌های بین‌المللی گفته شد نفتکش‌های ایرانی رادر خود را خاموش می‌کنند، لازم است شما بدانید امروز که در خدمت شما هستیم، ناوگروه ۷۷ ما در حال اسکورت شناورهای ایرانی است. وقتی ما در منطقه‌ای حضور داریم که حیاط خلوت دشمن است و امنیت عملیات اسکورت را انجام می‌دهیم یا کسی تعارف نداریم و طرف مقابل ما هم می‌داند که اگر بخواهد حرکتی انجام دهد، قطعاً با ضرب شست محکمی مواجه خواهد شد زیرا اینجا دیگر صرفاً نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران مطرح نیست، بلکه جمهوری اسلامی ایران مطرح است، یعنی اگر قرار باشد دست از خطا کند، اگر من هم بتوانم دست او را قطع کنم، دست او چنان قطع خواهد شد که اصلاً نفهمد از کجا خورده است. ما امروز در منطقه جمید در حال اجرای مأموریت اسکورت هستیم و مشکل خاصی هم وجود ندارد. از تهدیدی واهمه نداریم، چون دشمن می‌داند ما چه ظرفیتهایی در اختیار داریم و حتی اگر لازم باشد به دهان دشمن می‌زنیم.

یک بار هم پس از عبور از کانال سونز به دهان دشمن زدید و به طرف اسرائیلی گفتید «شات آپ» (خفه شو). گویا خیلی اصرار داشتند باشما، حتی شده یک گفت‌وگوی کوتاه هم داشته باشند.

زیرا این مسأله به ظاهر ساده، بسیار مهم است. وقتی کسی به شما سلام بدهد و شما جواب سلام را بدهید، یعنی او را تأیید کرده‌اید. پایگاه‌اراداری رژیم صهیونیستی اصرار داشت این مکالمه انجام شود و بعد با انتشار آن ادعا کند که وقتی ما ناوایرانی را صدا زدیم، او هم پاسخ داد یا مثلاً نگران شد، اما چون ما جنس اینها را می‌شناسیم که چقدر رند و بدذات هستند، اصلاً نگذاشتیم به آن

http://irannewspaper.ir
editorial@irannewspaper.ir



مرحله برسد، چون اساساً مقابل خودم به عنوان عضوی از نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران، موجودیتی نمی‌دیدم که بخواهم جواب او را بدهم، صرفاً می‌دیدم یک ایستگاه مداوم این کانال رادیویی را اشغال کرده و مراحم می‌شود، لازم بود که به او چنین جوابی بدهم. (با خنده)

در چه محدوده جغرافیایی این اتفاق افتاد؟

ما از کانال سونز خارج شده‌و وارد دریای مدیترانه شدیم. جالب اینکه یکی دو ساعت بعد دریا بشدت طوفانی شد، به‌طوری‌که شناور دیگری در صحنه حضور نداشت. البته این عرف بین‌المللی است که اگر طوفان زیاد باشد، شناور باید در بندرگاه نزدیک لنگر بیندازند، اما چون ما مأموریتی داشتیم که باید انجام می‌دادیم، به حرکت خود ادامه دادیم. در آن محدوده که دقیقاً یغل گوش این رژیم منحوس است، ایستگاه این رژیم ابتدا به صورت ناشناس صدا می‌زد، بعد که دید جوابی از سمت ما دریافت نمی‌کند، به صورت مستقیم صدا زد و گفت ناوایرانی، در این مرحله که دیدیم اسم ما را صدا می‌زند، دیدم واجب است که پاسخ لازم را به او بدهم.

این واکنش را مقایسه کنیم با شناورهای فر منطقه‌ای که از تنگه هرمز عبور می‌کنند. این شناور‌ها در مقابل ایستگاه یا شناور‌های ایرانی که از آنان می‌خواهند خودشان یا مأموریت‌شان را معرفی کنند، چه رفتاری دارند؟

این شناور‌ها در همان ابتدای کار قورا اعلام می‌کنند که ما براساس قوانین بین‌المللی در حال دریانوردی هستیم، این پاسخ نوعی فرار رو به جلو است، زیرا صدهای رادیویی از دو طرف ثبت می‌شود تا اگر اتفاقی افتاد بتوان به آن استناد کرد، اما آنان همواره در مسأله وجایگاه بین‌الملل ادعا می‌کنند یا کمک می‌گیرند. تفاوتی که شما به آن اشاره کردید، در اینجا است. بارها برای خود من اتفاق افتاده که وقتی به یک شناور آنان نزدیک می‌شویم، هنگام عبور از این مسیر، با در وضعیت جنگی صددرصد قرار می‌گیرند. به‌عینه دیدم که وقتی واحد پرواز ی شناوری ما را می‌بینند، پای نفری که پشت سلاح آنان قرار گرفته است، می‌لرزد، چون پشت و پشتیبان و حمایتی ندارد، اولین کسی که باید به او کمک کند، کشور او است، در حالی که او هزاران مایل از کشور خود دور است، اگر شناور دیگری

پیام ما، پیام صلح، دوستی و امنیت برای کشورهای منطقه بویژه کشورهای دوست و برادر مسلمان است. این نکته بسیار مهم است که ایرانیان بویژه در ۳۰۰ سال اخیر هیچ‌گاه به کشور دیگری تجاوز نکرده‌اند، اما همواره مورد حمله قرار گرفته است. اگر کسی ایران را تهدید نکند یا خطری را متوجه منافع آن نکند، رویکرد جمهوری اسلامی ایران همواره مبتنی بر احترام خواهد بود

امروز اگر مزدوری پای خود را در کشور ما بگذارد، رگ غیرت ایرانیان می‌جنبد و قطعاً با متجاوز تقابل می‌کنند. امروز این غیرت فقط مال من نیست، غیرت همه مردم ایران است

می‌خواهد به او کمک کند، پای او هم لنگ است. این است که در نهایت وحشت، واکنش نشان می‌دهند. از ترس و وحشت آنان همین بس که اجازه نمی‌دهند روزنامه نگاران ما با آنان مصاحبه کنند و در مقابل با استفاده از ترغندهای هالیوودی سعی می‌کنند خود را برتر نشان دهند. وقتی از پشت رادیو آنان را صدا نمی‌زنیم، یا صرفاً براساس عرف دریانوردی به طرف او می‌رویم، او می‌گوید «من براساس قوانین بین‌المللی در حال دریانوردی هستم» به عبارت دیگر، به جای اینکه ما او را صدا بزنیم و شناسایی کنیم، او فوری اقدام کرده و خود را شناسایی می‌کند که واحد ایرانی، من واحد انتلاف هستم، ضمن اینکه این شناورهای فر منطقه‌ای هیچ گاه نمی‌گویند من شناور امریکایی هستم، بلکه می‌گویند من واحد انتلاف هستم، یعنی خودش به تنهایی هیچ هویتی ندارد. این امر برای واحدهای پرواز و شناوری این کشورها صدق می‌کند. آنان نمی‌گویند من ناو امریکایی هستم، می‌گویند من ناو انتلاف هستم و این یعنی در درین منطقه‌ه هویتی ندارند و بی هویت هستند.

باتوجه به حوادثی که برای شناور‌های مادر دریای سرخ و گاه دریای مدیترانه رخ داد و نیز حوادثی که برای شناور‌های اسرائیلی در بندر فجیره اتفاق می‌افتد، آیا ما وارد یک بندر نامتعلق اعلام شدیم یا پذیرفته‌نشده غیر رسمی یا اسرائیل در حوزه دریای مدیانه؟

این جمله یا این سؤال خیلی ما را اذیت می‌کند. دیدید یا شنیدید که می‌گویند وقتی بچه‌ای بخواهد خود را پیش دیگران بزرگ جلوه دهد، جلوی بزرگ تر‌ها بی‌ادی می‌کند، گاهی لباس بزرگ تر‌ها یا خودش را می‌کشد تا آن بزرگ‌تر، به پایین پای خود نگاه کند و او را ببیند. نگاه ما به این مسأله این طور است. او دارد با این تبلیغات و فضا سازی‌ها خودش را بزرگ جلوه می‌دهد که مثلاً ما می‌خواهیم با ایران مقابله کنیم، در حالی که فرمان صادر شده و تکلیف روشن منطقه‌ا است و آن تکلیف و فرمان هم این است که قرار نیست این رژیم در آینده در صحنه حضور داشته باشد. در نتیجه اساساً نوع سؤالی که اینجا طرح شد، درست نیست. آنان همیشه دنبال این هستند که به شکلی خود را به وسط بکشند، مثلاً ادعا می‌کنند در بندر فجیره ایرانیان یک کشتی را مورد اصابت قرار

دادند؛ یک فیلمی هم در این رابطه درست می‌کنند که چهار قایق هم در آن نمایش داده می‌شود، در حالی که اصلاً آن محدوده، محدوده ماهیگیری است و شناور‌های صیادی ایرانی هم حضور دارند، اما خودش دارد خودش را از آزاری می‌دهد و خودش خودش را به طریقی مورد اصابت قرار می‌دهد و به گونه‌ای می‌خواهد این مسأله را به ما وصل کند. در آخرین مرتبه‌ای که این اتفاق افتاد، اصرار داشتند که بهپاد ایرانی خودش را به کشتی ما زده است، در حالی که اصلاً ضرورتی ندارد که این کار را بکنیم.

اما براساس ارزیابی صحنه به نظر می‌رسد استراتژی جمهوری اسلامی ایران این است که اسرائیل حق ورود به خلیج فارس را ندارد.

این طور نیست که گفته شود «به‌نظر می‌رسد»؛ بلکه دقیقاً همین است. ایشان نه فقط در خلیج فارس، بلکه در هیچ جابانید حضور داشته باشند. اساساً در جایی که ما هستیم او نباید باشد. این یک اصل است. گذشته از این‌ها، مطابق قوانین بین‌المللی کنترل تنگه هرمز با جمهوری اسلامی ایران و عمان است و در شرایطی که دو کشور نتوانشخص بدهند، می‌توانند این آبرو را ببینند. این یک اصل است. گذشته از این، هر جایی که ما حضور داریم، اینها نباید باشند و این فقط مربوط به خلیج فارس نیست، بنابراین تکلیف خلیج همیشه فارس روشن است، اما در هر جای دیگر که بخواهد حضور پیدا کند، ما این اجازه را به آنان نخواهیم داد، اگر هم بخواهد زور بگیرد، جواب آن مشخص است.

سال ۹۸ در جریان سفر شنز و آبه به ایران، برای یک یاد نوشتنش ژاپنی در دریای عمان و نزدیک تنگه هرمز اتفاقاتی افتاد که البته تکان‌رزن نیروی دریایی ما اولین واحدهایی بودند که برای امداد به این شناور هار رسیدند. غرب ایران را متمدن کرد، ما چاره‌ا چه بود؟

در آن مقطع دو مسأله مطرح بود، یک بر عنوان این شد که کنترل شناور ژاپنی از دست آن خارج شده است که این مسأله برای ما دریانوردان بیشتر یک شوخی است، زیرا نمی‌توان کنترل شناور را گرفت، بلکه کنترل همواره دست نیروهای خود آن شناور است. درباره آن نفتکش یک اشکال فنی به وجود آمد، زیرا پس از اعلام، نیروهای ما در منطقه حاضر شدند و آن نفتکش خودش اعلام کرد که من اشکال فنی دارم و دارم بر طرف می‌کنم و یکی دو ساعت بعد ادامه مسیر می‌دهم که همین اتفاق هم افتاد. درباره فروند دوم، ادعا شد که مورد اصابت قرار گرفته است. اینجا نیز بچه‌های ما فوراً در صحنه حاضر شدند و دیدند اتفاق خاصی نیفتاده، دودی از نفتکش خارج می‌شد که ناشی از یک اشکال داخلی و فنی خود نفتکش بود. حتی از او سؤال شد که آیا در اطراف خود شناوری دیدی که تهدید می‌شود یا خیر؟ او اعلام کرد هیچ شناوری نداشت. اگرچه ایستگاه‌های رادار ما در ساحل صحنه را در رصد خود داشتند و هم‌زمان یگان پروازی ما هم در حال پوشش منطقه بود، در آن زمان ما یک بهپاد در حال گشت داشتیم که صحنه را رصد می‌کرد. علاوه بر این دو شناور، ما هم در صحنه بود که صحنه را رصد می‌کردیم. به‌عینه اگر احیاناً کسی در صحنه دارد اقداماتی انجام می‌دهد یا او تقابل شود که چیزی آنجا مشاهده نشد، نه شناوری و نه واحد پروازی و نفتکش ژاپنی هم به مسیر خود ادامه داد و رفت.

سؤال آخر درباره مورد بندر فجیره و مورد دیگر، در همه این موارد ابتدا به‌صورت برج‌های فضا سازی شده و درباره آن کار تبلیغاتی و رسانه‌ای می‌شود، اما در نهایت بدون پاسخ و بدون اینکه به نتیجه‌ا برسد و نتیجه برای افکار عمومی دنیا مشخص شود، موضوع رها می‌شود. آیا این خدود در جمهوری اسلامی ایران هست که مثلاً یک کشتی را مورد اصابت قرار دهد، اما مسئولیت آن را به عهده نگیرد؟

ابتدا باید پرسید کدام مخاطب این حرف را می‌پذیرد؟ اگر مخاطب هوشمند باشد و ایران را بشناسد، این ادعاهای تکراری که به‌را حیان به کار می‌روند و ابیات هم نمی‌شود، نمی‌پذیرد، زیرا اساساً واقع نشده‌اند که بتوانند اثبات کنند، اما گذشته از این، واقعیت این است که اگر جمهوری اسلامی ایران کاری انجام داده است، با اقتدار انجام داده است. اگر ناو جمهوری اسلامی ایران در دریای اسکورت انجام داده است، کار با اقتدار انجام شده است، اگر عمل کرده، اگر در دفاع از حریم و حرم حضور پیدا کرد با اقتدار رفته و همیشه بالا بوده است. هیچ جایگاه دیگری که ما با ترس و لرز حضور داشته باشیم، بلکه همواره و با صدای بلند و رسا به جهان اعلام می‌کنیم که ما اینجا هستیم و حضور پیدا می‌کنیم. درباره این اخبار و رویدادها که اسرائیلی‌ها به آنها اشاره کردند مثلاً درباره مورد فجیره، صرفاً برای این بود که خود را مطرح کنند، در حالی که باید بدانند که این رفتارها و ادعاها نمی‌توانند خود را مطرح کنند، این یک تاکتیک لو رفته است، دقیقاً مثل بچه‌ای است که برای خود نمایی و دیده شدن لباس بزرگ تر‌ها را می‌کشد تا بزرگ تر‌ها به پایین پای خود نگاه بیاندازد و او را ببینند. او می‌خواهد بگوید «بدیدید!» من آمدم در فجیره و کسی نتوانست کاری بکند، مجبور شدند مرا ببینند» در صورتی که اصلاً این طور نیست. اگر پای اینها به این دریاها باز شود، به‌گونه دیگری عمل خواهیم کرد و رسماً هم برای آن اعلام کردیم. وقتی فرمانده معظم کل قوا فرمودند در آینده، در ۲۵ سال دیگر اگر کسی وجود نخواهد داشت، مسأله دیگر تمام شده است. آیا شجاعتی بالاتر از این اعلام داریم؟ اصلاً متوجه نمی‌شوم که چرا مخاطبان باید سردرگم باشند؟ سردرگم نباشد و بدانند که قطعاً او خودش خودش را باشت می‌زند، خودش را می‌بیند، خودش را می‌بیند. در همین حادثه، چرا بهپاد به نقطه‌ای از کشتی اصابت کرد که صدمه‌ای به این کشتی وارد نشد؟ اگر ما می‌خواستیم کاری بکنیم، این کشتی را از وسط نصف می‌کردیم، برای ما کار سختی هم نبود، ضمن اینکه می‌توانستیم به گونه‌ای این کار را انجام دهیم که کسی متوجه نشود و کسی هم متوجه نمی‌شد، زیرا در عمق دریا می‌توانست اتفاق بیفتد. ما اگر می‌خواستیم می‌توانستیم در عمق دریا این کشتی را نصف و آن را در اعماق دریا غرق کنیم، اما این کار را نکردیم، زیرا ضرورتی نمی‌بینیم.

بالاترین سطح ممکن نسبت به هر کشور دیگری در دنیا بود. مردم اعتقاد داشتند که مجموعه دولتمردان آنها را درک می‌کنند و با تمام توان خودشان و بدون هیچ گونه چشم داشت ندیوی برای کشور و اسلام و دفاع مقدس زحمت می‌کشند. مسئولان از طبقه و جنس مردم بودند و با آنها نشست و برخاست داشتند. فساد به معنای رایجی که در چندین سال گذشته بوده، وجود نداشت و اعتماد عمومی مردم که سر سرمایه بزرگ اجتماعی آن‌ها در بالاترین حد خودش وجود داشت. این سه عامل به اعتقاد بنده عوامل اصلی بودند که سبب شدند ایران بتواند این جنگ نابرابر را بجوئی اداره کند و حتی وجبی از خاکش را از دست ندهد. علاوه بر اینکه سازمان ملل متحد رژیم بعث عراق را به عنوان متجاوز معرفی کرد که این به معنای پیروزی در این جنگ نابرابر بود.

رهبری کاملاً هوشمندانه سیاسی بود و هم که رهبری کاریزماتیک مطلق و هم که رهبری دینی مذهبی بود. این جمله که من عرض می‌کنم شاید به معنای دقیق کلمه بتواند فضای آن دوره را ترسیم کند، در عملیات‌های مختلف فرماندهان عملیات به رزمندگان وعده می‌دادند که اگر این عملیات انجام شود آنها را به دیدار حضرت امام خواهند برد، فقط دیدار و با همین عشق رزمندگان می‌رفتند و جان خودشان را فدا می‌کردند. امام یک رهبری مطلق کاریزماتیک داشت، رهبری بسیار هوشمندانه و با محبت بسیار شدیدی که در قلوب همه مردم و بالاخص رزمندگان داشت. بنابراین اگر این رهبری وجود نداشت در دوران هشت ساله قطعاً ما نمی‌توانستیم به این موفقیت‌هایی که در جنگ رسیدیم، دست پیدا کنیم. فرمان امام برای شکستن حصر آبادان کافی بود که حصر آبادان شکسته

یادداشت



ناصر ایرانی
فصل سیاسی،
امولگرا